



بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری گرجستان و جمهوری ارمنستان؛ تمایل به غرب یا شرق! (۲۰۲۰-۲۰۰۸)*



ژیلا احمدی** - دکتر افشین زرگر***

دکتر فخرالدین سلطانی****

چکیده

جمهوری‌های گرجستان و ارمنستان، امروزه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی متعددی را بخود جلب کرده است و اهمیت فوق‌العاده تاریخی خود را مجدد بازیافته‌اند. گرجستان و ارمنستان که زمانی، حیات خلوت روسیه و اتحاد جماهیر شوروی بودند و در ادوار متمادی تاریخ نیز محل منازعه و رقابت بازیگران منطقه بوده‌اند، اکنون به محل رقابت قدرت‌های بزرگ کنونی تبدیل شده و هر کدام از بازیگران منطقه‌ای و جهانی بدنبال حضور، نفوذ و تامین هرچه بیشتر منافع خود هستند. برای درک بهتر اهمیت این منطقه برای قدرت‌های بزرگ بویژه آمریکا و روسیه و گرایشات گرجستان و ارمنستان به هر یک از این دو قدرت، به بررسی اهداف این دو قدرت در منطقه قفقاز جنوبی پرداخته خواهد شد. در پژوهش پیش‌رو این پرسش مطرح می‌گردد که کشورهای ارمنستان و گرجستان از سال ۲۰۰۸ به بعد به سمت کدام قدرت شرق و غرب تمایل بوده است؟ نتیجه کلی مقاله نشان می‌دهد که گرجستان و ارمنستان برای همکاری با ناتو، دارای انگیزه‌هایی هستند. در این میان بنظر می‌رسد، گرجستان حضور ناتو را بعنوان مقدمه‌ای برای اروپایی شدن ترجیحاً دریافت کمک‌های مالی بیشتر می‌داند و نتیجتاً می‌توان بیان نمود که از میان دو بازیگر فرامنطقه‌ای، نقش آمریکا از دیگران بارزتر بنظر می‌رسد. آمریکا دارای منافع منطقه‌ای در گرجستان و ارمنستان است.

کلیدواژگان

گرجستان، ارمنستان، سیاست خارجی تطبیقی، تمایل به غرب و شرق، بازیگران منطقه‌ای.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری ژیلا احمدی با عنوان «رویکرد مقایسه‌ای به تحول در جهت گیری سیاست خارجی کشورهای قفقاز جنوبی (روسی - غربی ۲۰۰۸-۲۰۱۸)» و راهنمایی دکتر افشین زرگر است.

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

*** نویسنده مسئول، استادیار عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج،

ایران. / ایمیل: a.zargar@kiaou.ac.ir

**** استادیار عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

مقدمه

آسیای مرکزی او قفقاز همواره صحنه رقابت قدرت‌های بزرگ بوده و آنها در تلاش هستند تا منافع سیاسی و اقتصادی خود را کسب کنند. پس از فروپاشی شوروی و ظهور سه کشور مستقل در قفقاز، اهمیت این منطقه افزایش یافته است. فروپاشی شوروی نه تنها تغییرات ساختاری در نظام بین‌الملل را به همراه داشته است، بلکه پایانی بر حضور انحصاری روسیه در خارج نزدیک بود در نتیجه، کشورهای قفقاز جنوبی از جمله ارمنستان و گرجستان به عرصه رقابت‌های ژئوپلیتیک بازیگران تبدیل گردید. روسیه در پی ایجاد سلطه سیاسی، اقتصادی و نظامی خود در قفقاز و از سوی دیگر، ایالات متحده، با تامین مالی، بویژه در زمینه انرژی و بهبود همکاری نظامی، در پی گسترش حوزه نفوذ خود در این منطقه است. کشورهای دیگر از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ارمنستان و ترکیه با توجه به توانایی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی‌شان در حال تلاش برای نفوذ بیشتر در این منطقه هستند. بنابراین، سناریوها توسط هر یک از بازیکنان اصلی معرفی شده‌اند که در دستیابی به منافع طیف وسیعی از ایالت‌ها قرار دارند. تنها نکات رایجی که می‌توان در بین تمام این سناریوها ذکر کرد عبارتند از ثبات و امنیت است. با این حال، اهداف و منافع کشورهای ذینفع با یکدیگر بسیار متفاوت هستند.

سوالی که برای این پژوهش مطرح می‌گردد این است که؛ کشورهای ارمنستان و گرجستان از سال ۲۰۰۸ به بعد به سمت کدام قدرت شرق و غرب متمایل بوده است؟ در واقع این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به این سوال اینگونه پاسخ می‌دهد که گرجستان و ارمنستان برای همکاری با ناتو، دارای انگیزه‌هایی هستند. در این میان بنظر می‌رسد، گرجستان حضور ناتو را بعنوان مقدمه‌ای برای اروپایی شدن ترجیحاً دریافت کمک‌های مالی بیشتر می‌داند در واقع می‌توان بیان نمود که از میان دو بازیگر، نقش آمریکا از دیگران بارزتر بنظر می‌رسد.

۱- پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه تحقیق می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از فروپاشی شوروی تا سال ۲۰۱۵»، توسط بزرگمهری و طباطبائی در سال (۱۳۹۶) به نگارش درآمده است. این مقاله به این نتیجه رسیده است که علیرغم اینکه فروپاشی شوروی فرصت تاریخی را در اختیار ایران و ترکیه قرار داد تا با برقراری روابط و همکاری‌های نزدیک سیاست‌ها و اهداف خود را در قفقاز جنوبی پیش ببرند، اما سیاست توسعه‌طلبانه ترکیه و سیاست احتیاطی برای ایفای نقش در

¹. Central Asia

². Caucasus

معادلات این منطقه، شرایطی را دامن زد که هر دو کشور توفیق کافی برای تاثیرگذاری در این معادلات را نداشتند (Bozorgmehri and Tabatabai, 2017: 109-150). از مزیت‌هایی که می‌توان برای این پژوهش برشمرد این می‌باشد که در آن به مهمترین مشکل ترکیه در بعد سیاسی-امنیتی اختلافات با ارمنستان پرداخته است. و از نقدهایی که می‌توان برای آن نام برد این می‌باشد کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را مورد بررسی قرار نداده است که در پژوهش پیش‌رو بدان پرداخته خواهد شد.

مقاله دیگری با عنوان «تعامل سیاست خارجی ایران و روسیه در تقابل با محور شرقی-غربی در قفقاز جنوبی»، توسط یزدانی و فلاحی در سال (۱۳۹۵) به نگارش درآمده است. در این مقاله بیان شد که یکی از بارزترین پیامدهای فروپاشی شوروی ایجاد خلأ قدرت در جمهوری‌های نواستقلال بود. بدین سبب کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از راه اتحاد و ائتلاف با جمهوری‌های قفقاز جنوبی در پی افزایش نفوذ خود در این منطقه هستند. ترکیه و اسرائیل از راه همکاری با آذربایجان، محور شرقی-غربی را تشکیل داده‌اند. این همکاری، منافع مشترک روسیه و ایران را تهدید می‌کند (Yazdani and Fallahi, 2016: 411-430). از مزیت‌های این مقاله می‌باشد که جایگاه جمهوری آذربایجان و نقش آمریکا در قفقاز جنوبی را مورد ارزیابی قرار داده است. و از نقدهایی که می‌توان برای این پژوهش برشمرد این می‌باشد که جمهوری‌های گرجستان و ارمنستان مورد ارزیابی قرار نگرفته است که پژوهش پیش‌رو بدان پرداخته است.

سومین مقاله با عنوان «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی»، توسط جوادی ارجمند و فلاحی در سال (۱۳۹۴) به نگارش درآمده است. در این مقاله بررسی شد که خلأ قدرت در قفقاز جنوبی در دوران پساجنگ سرد، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را برانگیخته است. در این میان ایران و ترکیه بدلیل همسایگی، به این منطقه حساسیت‌های خاصی دارند. سه جمهوری تازه تأسیس، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را پیش‌روی ایران و ترکیه قرار داده‌اند که برآیند آن رقابت تهران و آنکارا در منطقه است (Javadi Arjmand and Fallahi, 2015: ۲۲۸-۲۱۱). از مزیت‌های این پژوهش این می‌باشد که سیاست خارجی ایران و ترکیه در ارمنستان و جمهوری آذربایجان را مورد بررسی قرار داده است. اما از نقدهایی که می‌توان برای این پژوهش برشمرد این است که گرجستان را مورد ارزیابی قرار نداده که در این پژوهش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

مقاله دیگری نیز با عنوان «قفقاز جنوبی؛ دلسرد از اتحادیه اروپا و ناامید از فدراسیون روسیه»، توسط ثمودی پیلروز و نوروزی زرمهری در سال (۱۳۹۴) به نگارش درآمده است. در این مقاله بیان شد که منطقه قفقاز جنوبی یکی از منطقه‌های پرچالش به لحاظ امنیتی در جهان محسوب می‌شود که با گذشت دو دهه از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این منطقه هنوز به همگرایی

اقتصادی و سیاسی دست پیدا نکرده است. در این منطقه نوعی رقابت و همکاری میان این سه کشور و همچنین میان آنها با بازیگران خارجی وجود دارد (Thamudi Pilehroz and Nowruz, 2015: 39-66). از مزیت‌های این پژوهش این است که به ارتباط میان اتحادیه اروپا و روسیه در منطقه قفقاز جنوبی و تنش‌ها و اختلافاتی که وجود دارد را مورد بررسی قرار داده است. و از نقدهایی که بر این پژوهش وارد است این می‌باشد که این ارتباط را در مورد آمریکا و اتحادیه اروپا مورد ارزیابی قرار نداده است که پژوهش پیش‌رو آن را مورد تدقیق قرار داده است.

۲- چارچوب نظری: راهبردهای سیاست خارجی

یکی از اصطلاحات جدید در ارتباط با راهبرد، تفکر یا رویکرد راهبردی است. اکثر تحلیلگران معتقدند که مطالعات راهبردی، برنامه‌ریزی راهبردی و مدیریت راهبردی در موفقیت یک تصمیم چه در عرصه داخلی و بین‌المللی می‌توانند موثر باشند و هر یک از موارد مزبور با ایفای نقش مکمل می‌توانند بر موفقیت یک تصمیم تاثیرگذار باشند. «با توجه به پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های خاص نظام بین‌الملل بعنوان زمینه عملیاتی شدن اهداف سیاست خارجی تنها با یک رویکرد راهبردی است که می‌توان نسبت به تصمیمی که در مورد سیاست و خط‌مشی کلی در امور کشوری و لشکری اتخاذ شده اعتماد نمود و از صحت و سقم آن اطمینان حاصل پیدا کرد و تنها بدین‌وسیله می‌توان از اینکه سیاست‌های اتخاذ شده قبلاً بر اندیشه‌های ژرف مبتنی بوده‌اند، اعتماد حاصل کرد. در سال‌های اخیر نیز دولت‌ها در عرصه نظام بین‌الملل عمدتاً در پی اتخاذ استراتژی‌های مختلفی برای پیاده کردن اهداف سیاست خارجی خود بوده‌اند» (Shirkhani and Sharifi, 2017: 119).

نظام بین‌الملل ضمن تاثیر بر هویت دولت‌ها، بخشی از رفتارها، ایستارها و اهداف سیاست خارجی آنها را تعیین می‌کند، از سوی دیگر داده‌های سیاست خارجی کشورها هم به نوبه خود بصورت نهاده وارد نظام بین‌الملل شده و آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به همین جهت، نمی‌توان داده‌های سیاست خارجی دولت‌ها را در دوران ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل و بعد از آن یکی دانست. زیرا نه تنها دسترسی به اهداف سیاست خارجی در بستر نظام بین‌الملل صورت می‌گیرد، بلکه استراتژی‌های سیاست خارجی هر کشور متأثر از جایگاه خویش در ساختار نظام بین‌الملل می‌باشد. در این راستا سیاست‌گذاری خارجی و تحلیل سیاست خارجی یک کشور منوط به در نظر داشتن دو عامل چگونگی هدف‌گذاری و شناخت اهداف و همچنین استراتژی شیوه دستیابی به اهداف در سیاست خارجی آن کشور است (Hafeznia and Romina, 2017: 9). در حالی که روابط بین‌الملل شامل روابط میان حکومت‌ها، گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی افراد کشورهای مختلف می‌گردد، سیاست خارجی تنها آن دسته از روابط را در برمی‌گیرد که حکومت‌ها متصدی آن

می‌باشند. به عبارت بهتر، «سیاست خارجی بعنوان یک مجموعه اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیران، شامل دستیابی به اهدافی معین در چارچوب محیط بین‌الملل است. به این ترتیب نمی‌توان نقش نیازهای داخلی را در تعیین اهداف سیاست خارجی نادیده گرفت و سیاست خارجی را از سیاست داخلی جدا دانست. در این ارتباط مطالعه سیاست خارجی بعنوان عاملی برای پیوند دادن تجزیه و تحلیل اثر سیاست‌های خارجی و داخلی بر روابط کشورها با هم، اهمیت می‌یابد» (Qawam, 2007: 108).

۳- پیشینه تاریخی سیاست خارجی گرجستان و ارمنستان

در این بخش پیشینه تاریخی سیاست خارجی گرجستان و ارمنستان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که شامل سیاست خارجی دو جمهوری است، مورد تدقیق قرار داده می‌شوند.

آبخازیا بعنوان یک شاهزاده‌نشین مستقل در سال ۱۸۱۰ تحت‌الحمایه روسیه قرار گرفت (Hiller, 2010: 64). این منطقه پس از فروپاشی امپراتوری تزاری و در سال ۱۹۲۱ با کسب موقعیت یک جمهوری متحد، وارد اتحاد شوروی شد، اما در سال ۱۹۳۱ بعنوان جمهوری خودمختار آبخازیا تحت کنترل و اداره گرجستان قرار گرفت. تنش‌ها میان آبخازها و گرجی‌ها در دوران شوروی به اشکال مختلف وجود داشت، تا اینکه شورای عالی آبخازیا در اوت ۱۹۹۰ رأی به استقلال این منطقه از گرجستان داد. در آوریل ۱۹۹۱ گرجستان اعلام استقلال نمود و در فوریه ۱۹۹۲ قانون اساسی ۱۹۷۸ شوروی-گرجستان را لغو کرد. در عوض قانون اساسی سال ۱۹۲۱ دوباره احیا شد که در آن به آبخازیا با عنوان منطقه سوخومی^۱ اشاره شده بوده است (Sussex, 2012: 80-79). در ژوئن ۱۹۹۲، ولادیسلاو آردزینبا^۲ رئیس‌جمهور آبخازیا، پیش نویس توافقنامه‌ای را برای شورای دولتی گرجستان فرستاد که در آن به راه‌حلی فدراتیو و یا کنفدراتیو برای مشکل موجود که از طریق آن انسجام سرزمینی گرجستان نیز مورد حمایت قرار می‌گرفت، اشاره کرده بود، اما این امر از سوی رهبری جدید گرجستان رد و تنش‌ها در میانه مذاکرات غیرسازنده دوباره شدت گرفت. به هر حال جنگ میان گرجستان و آبخازیا از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ بطول انجامید (Hiller, 2010: 158). بنابراین آبخازیا به استقلال غیررسمی دست یافت، هرچند که تنش میان گرجستان و آبخازیا در سال‌های بعد بصورت‌های مختلفی ادامه یافت تا اینکه در سال ۲۰۰۸ و پس از حمایت رسمی روسیه از آبخازیا، شکل‌گیری دولت مستقل آبخازیا صورت حقیقی بخود گرفت (German, 2016: 159-155).

منطقه اوستیا نیز بعنوان بخشی از گرجستان تا پایان جنگ جهانی اول تحت‌الحمایه

^۱. Abkhazia

^۲. Sukhumi Region

^۳. Vladislav Ardzinba

روسیه تزاری بود، اما پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و شکل‌گیری اتحاد جماهیر شوروی، اوستیایی‌ها میان فدراسیون روسیه و گرجستان و در دو موجودیت خودمختار یعنی جمهوری خودمختار اوستیای شمالی و منطقه خودمختار اوستیای جنوبی^۱ تقسیم گردیدند (Sterio, 2013: 143). در سال ۱۹۸۹، تنش‌ها میان گرجی‌ها و اوست‌ها افزایش یافت. در نهایت، جنگ در اوستیای جنوبی در ژانویه ۱۹۹۱ یکماه پس از آنکه حکومت گرجستان به رهبری زویاد گامساخوردیا^۲ وضعیت اوستیای جنوبی را بعنوان یک منطقه خودمختار لغو کرد و آن را بخشی از گرجستان اعلام نمود، آغاز گردید و منجر به اعلام استقلال اوستیای جنوبی در سال ۱۹۹۲ گردید (Yemelianova, 2015: 224). اما واقعیت این است که دو منطقه آبخازیا و اوستیا با در اختیار داشتن تمرکز سرزمینی و بویژه حمایت روسیه بعنوان موارد موفق جدایی‌طلبی قومی در قفقاز جنوبی محسوب شده و توانسته‌اند دولت‌های مربوط به خویش را در قلمرو خود ایجاد نمایند.

منطقه قره‌باغ تا سال ۱۸۱۳ تحت حاکمیت ایران بود، اما پس از جنگ ایران و روسیه، تحت حاکمیت روسیه تزاری قرار گرفت. پس از شکل‌گیری اتحاد جماهیر شوروی، اشغال قره‌باغ توسط کمونیست‌ها منجر به ادغام تدریجی این منطقه در درون جمهوری سوسیالیستی آذربایجان گردید (Geukjian, 2012:66)، و در نهایت به‌رغم تنش میان ارمنستان و آذربایجان بر سر مالکیت این منطقه، استان خودمختار قره‌باغ در نوامبر ۱۹۲۴ بعنوان بخشی از جمهوری سوسیالیستی آذربایجان بطور رسمی ایجاد شد. آرامنه قره‌باغ بر تمایل مداوم خود برای متحد شدن با ارمنستان پافشاری نموده و حاکمیت جمهوری آذربایجان بر قلمرو مورد مناقشه را نمی‌پذیرفتند. در واقع از سال ۱۹۸۸ به بعد فرایند جدایی‌طلبی کشمکش‌ها شدت بیشتری گرفت. در ۲ سپتامبر ۱۹۹۱، شورای قره‌باغ بعنوان جمهوری مستقل قره‌باغ اعلام موجودیت نمود (Kruger, 2010: 93). بدنال برگزاری رفراندوم در دسامبر ۱۹۹۱ در قره‌باغ مبنی بر جدایی از آذربایجان، تنش‌ها دوباره تشدید شد و به جنگی تمام‌عیار تبدیل گردید، و بسرعت پس از استقلال ارمنستان و آذربایجان و در اوایل سال ۱۹۹۲، گستره وسیعی یافت. در سال ۱۹۹۴، قره‌باغ و نیز سرزمین‌های وسیع دیگری در جمهوری آذربایجان تحت کنترل ارمنستان قرار گرفت. پس از پایان جنگ در سال ۱۹۹۴، قره‌باغ با مساعدت ارمنستان توانست خود را از آذربایجان جدا کرده و دولت غیررسمی قره‌باغ را تشکیل دهد، اما این منطقه همچنان از دستیابی به شناسایی بین‌المللی ناکام مانده است (Caspersen, 2012:26). درگیری‌های چندین دهه ارمنستان و آذربایجان بارها امنیت این منطقه را با چالش جدی مواجه کرده است. به طوریکه اخیراً دو کشور

¹. Autonomous region

². Zviad Gamsakhurdia

در ۲۷ سپتامبر، برای دومین بار در سه ماه گذشته، با یکدیگر درگیر شده‌اند. به گفته وزارت دفاع آذربایجان، نیروهای مسلح ارمنستان عملیات گسترده‌ای را بر علیه مواضع ارتش آذربایجان و همچنین شهرک‌های غیرنظامی در منطقه خط مقدم قره‌باغ آغاز کرده است. جنگ میان دو طرف تا کنون دهها کشته و زخمی بر جای داشته است. چندین کشور و سازمان‌های بین‌المللی خواستار بازگشت نیروهای درگیر به آتش‌بس فوری شدند. در همین حال، درست مانند آنچه در پی درگیری‌های ماه ژوئیه انجام شد، ترکیه از طریق کانال‌های مختلف حمایت قاطع خود را از آذربایجان ابراز می‌کند. وزارت امور خارجه ترکیه اطمینان داد که آنکارا آماده است تا از هر طریقی که باکو بخواهد به آن کمک کند. بدون تردید حمایت هر یک از کشورها نه تنها منجر به ایجاد آرامش در منطقه قره‌باغ نخواهد شد، بلکه دامنه این جنگ و میزان خسارات و تلفات آن را روزبه‌روز گسترش خواهد داد. (Huseynov, 2020)

از آنچه در بالا بیان شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت: «که برخورداری آبخازها، اوستهای جنوبی و ارمنه قره‌باغ از ابزارهای چانه‌زنی قومی و منابع داخلی و خارجی قدرت بویژه بهره‌مندی از حمایت خارجی، نه تنها باعث کسب امتیازاتی از مرکز بویژه در ارتباط با وضعیت خودمختاری این مناطق شده؛ بلکه منجر به تشدید تقاضاهای این گروه‌ها از دولت مرکزی در تفلیس و باکو و رادیکال شدن این تقاضاها بسمت جدایی‌طلبی از سرزمین اصلی و تشکیل دولت‌های مستقل شده است» (Koolae and Hosseini Taghiabad, 2019: 99). همچنین باید گفت که در هر سه مورد، شکست روند مذاکرات میان گروه‌های قومی با مرکز، مقاومت دولت مرکزی در برابر خواسته‌های این گروه‌ها و سرکوب آنها، باعث بروز جنگ میان طرفین شده که نتیجه آن به مخاطره افتادن تمامیت و همگرایی سرزمینی دو جمهوری گرجستان و آذربایجان و شکل‌گیری سه دولت غیررسمی در قفقاز جنوبی بوده است (Nodia, 2016: 66).

۴- بررسی تطبیقی سیاست خارجی آمریکا و روسیه در جمهوری‌های گرجستان و ارمنستان

این مبحث از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش اول آن مربوط به کشور گرجستان و به سیاست خارجی این کشور در ارتباط با آمریکا و روسیه می‌باشد. بخش دوم به کشور ارمنستان و سیاست خارجی این کشور را در مواجهه با غرب و شرق مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۴-۱- مقایسه روابط جمهوری گرجستان با روسیه و آمریکا

برای روشن شدن جهت‌گیری‌های سیاست خارجی گرجستان نسبت به آمریکا و روسیه، ابتدا سیاست‌های گرجستان در بخش‌های اقتصادی، سیاسی-نظامی و انرژی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۱- محورهای همکاری گرجستان با روسیه و آمریکا

محورهای همکاری گرجستان با روسیه و آمریکا در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و

انرژی می‌باشد که در ذیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱-۱-۱- سیاست‌های اقتصادی گرجستان

با وجود اوضاع سخت اقتصادی که گرجستان تحت آن توسعه می‌یابد، توافق‌نامه همکاری با اتحادیه اروپا امیدهای بزرگی را برای این کشور ایجاد کرده است. با وجود تمامی تغییرات مثبت، سیاست‌های اقتصادی هنوز با استانداردهای مطلوب بین‌المللی فاصله دارد. پیوستن به سازمان تجارت جهانی و وابستگی به این سازمان، و مبادلات با کشورهای عضو آن، تغییرهای مثبتی برای گرجستان داشته است. در واقع به گرجستان فرصتی داده شد تا فعالانه درگیر مذاکرات چندجانبه برای محافظت از منافع اقتصادی خود باشد (Kochladze, 2011). درخصوص سیاست‌های ارزی، گرجستان گروگان فرآیندهای جاری جهان و همسایگان خود است. گرجستان در سال ۱۹۹۵ ارز ملی خود، (GeL) را معرفی کرد و تا نوامبر ۱۹۹۷، ارزش GeL با دلار آمریکا ثابت شد، اما بحران مالی منطقه‌ای و روسیه این کشور را وادار به تغییر نرخ ارز بصورت شناور کرد. تغییرات قیمت در بازار جهانی از سال ۲۰۱۴ و استرس سیاسی بین روسیه و ترکیه منجر به گرایش سقوط مداوم نرخ ارز شده است (World Bank group, 2018:11).

۴-۱-۱-۲- سیاست‌های سیاسی- نظامی گرجستان

گرجستان در پی انقلاب رز سال ۲۰۰۳، تقویت روابط با ناتو و عضویت در این سازمان را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است. تحرکات نظامی گرجستان به همراه ناتو در نزدیکی مرزهای روسیه، نگرانی و واکنش‌های منفی مسکو را به همراه داشت، بطوریکه وزارت خارجه روسیه طی بیانیه‌ای عنوان کرد که همکاری گرجستان با ناتو امنیت این کشور را تقویت نمی‌کند. در پی حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱، گرجستان با اعطای دسترسی شرکای ناتو به پایگاه‌های هوایی خود، از جمله حق پرواز و استفاده اطلاعاتی، به ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده در افغانستان کمک فوری کرد. در سال ۲۰۰۴، گرجستان به یاری نیروهای بین‌المللی در افغانستان پرداخت، گرجستان تا سال ۲۰۱۲، بزرگترین کمک‌کننده از کشورهای غیرعضو ناتو بود. در طی این مدت، ایالات متحده با آموزش و توسعه زیرساخت‌ها، روابط دفاعی دوجانبه با گرجستان را تقویت کرد، و این امر موجب ارتقای توان نیروهای مسلح گرجستان شد. از این رو گرجستان توانست از سال ۲۰۱۶ به بعد، با همکاری آمریکا سلاح‌های معمولی، هوایمایی و تجهیزات الکترونیکی خود را ارتقا بدهد (Coffey, 2019) & (Monshipouri and Dorraj, 2019:6-7).

۴-۱-۱-۳- سیاست‌های انرژی گرجستان

همکاری در بخش انرژی یکی دیگر از ستون‌های اصلی همکاری استراتژیک ایالات متحده و گرجستان است. در دهه ۱۹۹۰، ایالات متحده بدنال شناسایی و توسعه منابع جایگزین انرژی برای مهار وابستگی انرژی به روسیه و ایران بود. منطقه خزر به سرعت بعنوان یک جایگزین استراتژیک مورد توجه قرار گرفت. براساس اهداف اولیه توسط کلیتون که بعداً توسط دولت‌های بوش و

اوباما تأیید شد، ایالات متحده با گرجستان و نیز با آذربایجان و ترکیه همکاری می‌کند تا یک "کریدور جنوبی" برای ترانزیت نفت و گاز تأسیس کند. مسیر ترانزیت پیش‌بینی شده از آسیای میانه از طریق قفقاز جنوبی و ترکیه به اروپا امتداد خواهد یافت. در تحقق این هدف، ایالات متحده از ساخت خط لوله باکو - تفلیس - جیحان، خط لوله باکو - سوپسا حمایت کرده است. کمک‌های گرجستان در اجرای اهداف استراتژیک ایالات متحده و تعهد بی‌حد و حصر آن به ارزش‌های آمریکایی در منطقه، با ایدئولوژی‌های مخالف در این منطقه روبرو می‌شود. گرجستان و پهنای قفقاز جنوبی واقع در چهارراه روسیه، ترکیه و ایران، منطقه‌ای مرکزی در یک رقابت منطقه‌ای برای دستیابی به هژمونی است. بر این اساس چین در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای ورود گرجستان به مدار ژئواکونومیک خود از طریق ابتکار یک کمربند-یک جاده داشته است. با این-حال، گرجستان با وجود چشم‌انداز ژئوپلیتیکی چالش‌برانگیز خود، مسیری دموکراتیک را با هدف ادغام در نهادهای اروپایی انتخاب کرد (Tsurtsumia, 2015: 10-13). در حالی که روند اصلاحات دموکراتیک گرجستان با مشکلات زیادی روبرو است، پیشرفت چشمگیر گرجستان در زمینه مبارزه با فساد، تقویت حاکمیت قانون و افزایش خدمات عمومی، این کشور را در میان متحدین غربی شناخته‌تر کرده است. بطور خلاصه، از زمان بدست آوردن استقلال در ۱۹۹۱، گرجستان اساساً با مشارکت نیروهای نظامی و با استفاده از زیرساخت‌های نظامی در مأموریت‌های ناتو به رهبری ایالات متحده در افغانستان و عراق، شرکت کرده است. این کشور با افزایش همکاری دفاعی با ناتو، به تقویت ظرفیت خود در مبارزه با قاچاق کالا، به منافع استراتژیک ایالات متحده در منطقه خدمت کرده است و با پیشبرد اصلاحات دموکراتیک در منطقه‌ای که با جریانات استبدادی روبرو است، در مسیر اهداف استراتژیک آمریکا گام‌های مهمی برداشته است. واردات گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی نیز بعنوان منابع اصلی انرژی گرجستان است. از آنجاکه این کشور تقریباً به کل نفت و گاز طبیعی وارداتی متکی است، اقتصاد گرجستان در برابر تحولات قیمت جهانی انرژی بسیار آسیب‌پذیر است. (Patarai, 2019: 2-4)

۱-۲-۴- روابط جمهوری گرجستان با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

آمریکا و روسیه از جمله بازیگران تاثیرگذار در گرجستان می‌باشند لذا پرداختن به روابط این جمهوری با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ضرورت دارد که این بخش را به خود اختصاص داده است.

۴-۱-۲-۱- روابط گرجستان با آمریکا

آمریکا در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تلاش کرد تا کشورهای اقماری آن را به شکل‌های ممکن زیر نفوذ قدرت خود قرار دهد، تا بتواند ساختار آتی نظام بین‌الملل را یک نظام تک‌قطبی با

^۱. South Corridor

سلطه قدرت هژمون بسازد. آسیای مرکزی و قفقاز از جمله مناطقی است که آمریکا با نفوذ خود بدنبال تأمین منافع کوتاه‌مدت و درازمدت خود بود. همین امر موجب شد آمریکا برنامه‌های مختلفی مانند دسترسی به مسیر انتقال انرژی، انزوای ایران، جلوگیری از نفوذ روسیه و همچنین حمایت از هم‌پیمان‌های خود، ترکیه و اسرائیل را برای دستیابی به هدف‌های خود در گرجستان دنبال کند. «گرجستان نیز بعنوان دروازه ورودی قفقاز، راهبرد سیاست خارجی و البته امنیتی خود را در قالب پیوستن به ناتو و اتحادیه اروپا تعریف می‌کند» (Shafiee, 2011: 39-58). گرجستان با حمایت از تلاش‌های ضد تروریسم ایالات‌متحده و انجام اقدامات مشخص برای مقابله با تهدیدهای تروریستی داخلی و فراملی، خود را به عنوان یک شریک قابل اعتماد آمریکا در مبارزه با تروریسم از کشورهای همسایه متمایز ساخته است. گرجستان با کمک ایالات‌متحده، همچنان به تقویت توانایی خود در شناسایی و مختل کردن کانال‌ها و شبکه‌های تروریستی در مرزهای خود می‌پردازد. همکاری‌های ضد تروریستی آمریکا و گرجستان، ظرفیت گرجستان را در شناسایی و برچیدن منابع سایبری مبنی بر انتشار ایدئولوژی رادیکال، و افزایش اشتراک اطلاعات حساس بین گرجستان و شرکای غربی افزایش می‌دهد و جریان گذر مبارزان از گرجستان به عنوان یک مسیر ترانزیتی به سوریه، عراق و افغانستان را کاهش می‌دهد. (Kuimova and wezeman, 2019:10-13)

۴-۲-۲- روابط روسیه و گرجستان

از سال‌های نخست فروپاشی شوروی، جدایی طلبان اوستیای جنوبی که روسیه از آنها حمایت می‌کرد بدنبال جدایی از گرجستان و پیوستن به اوستیای شمالی بودند که امروز به یک منطقه خودمختار در روسیه تبدیل شده است. در حالی که اوستیای جنوبی بر حق تعیین سرنوشت خود تاکید می‌کنند، گرجستان مطالبات جدایی طلبان را تهدیدی برای یکپارچگی سرزمین‌اش می‌داند. در آگوست سال ۲۰۰۸ جنگی بین روسیه و گرجستان در گرفت که واکنش تمامی کشورهای منطقه‌ای و جهانی را برانگیخت و تبعات مختلف در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی برجای گذاشت (Moazami Goodarzi, 2004: 220).

از جمله عوامل اختلاف دو کشور با بروز بحران دوم در چچن در سال ۱۹۹۹ شروع گردید، مجدد جنگی در شمال قفقاز شعله‌ور شد که بعد از امضای موافقتنامه یلتسین-مسخدوف در سال ۱۹۹۶ نزدیک به چهار سال بود که خاموش مانده بود، با روی کار آمدن پوتین که با شعار نابودی تروریست‌های چچنی قدرت را بدست گرفت و متعاقب آن حمله وسیع ارتش روسیه به گروزنی، سیل آوارگان چچنی به شهرها و مناطق اطراف و از جمله گرجستان سرازیر شد که از ابتدای امر روسیه با فرار مبارزین چچنی به گرجستان مخالفت می‌نموده است (Özkan, 2012, 5-7). یکی دیگر از موارد اختلاف گرجستان و روسیه ادعایی است که مقامات گرجی نسبت بنحوه تقسیم میراث باقی مانده از شوروی، و هم نسبت به دارایی‌هایی که در کشورهای خارجی موجود است و

روسیه آن را تصاحب نموده است اعتراض دارند (Sangtu KO, 2012:1-4). عامل دیگر روابط مشکوک تفلیس با واشنگتن و تل آویو است. در این خصوص علاوه بر حمایت‌های سیاسی، اجتماعی و مالی که واشنگتن در جریان انقلاب رز از ساکاشویلی به عمل آورد، قبل از آغاز جنگ بین روسیه و گرجستان، ارتش آمریکا مانور مشترکی را با نیروهای گرجی برگزار کرد. همین حمایت‌های همه جانبه حساسیت و نگرانی روسیه را در پی داشته است (Karaminia, 2008). گرجستان در سال ۲۰۱۷ میزبان دو رزمایش نظامی ناتو بود که در آن، نزدیک به دو هزار و ۸۰۰ نظامی از گرجستان، آمریکا، انگلیس، ترکیه، آلمان، اسلونی، اوکراین و ارمنستان حضور داشتند. رزمایش نظامی "شریک شایسته" ناتو در سال ۲۰۱۷ در گرجستان برای سومین بار برگزار و در مقایسه با سال‌های قبلی رزمایشی گسترده‌تر بود. این رزمایش‌ها در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ نیز برگزار شد که نتیجه آن دوام تنش با روسیه بود. (NATO, 2019)

۱-۳-۴- جمهوری گرجستان؛ تمایل به غرب یا شرق

گرجستان، امروزه بدلائل گوناگون بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را بخود جلب می‌کند و اهمیت فوق‌العاده تاریخی خود را مجدد بازیافته است (Asgari, 2015: 103). برای درک بهتر اهمیت این منطقه برای قدرت‌های بزرگ بویژه آمریکا و روسیه و گرایشات گرجستان به هر یک از این دو قدرت اهداف، اولویت‌ها و محورهای سیاست خارجی آمریکا در گرجستان اینگونه بررسی می‌شود:

۱- آمریکا از هنگام استقلال جمهوری‌های سابق شوروی، اصل سیاست خارجی خود را تقویت استقلال کشورهای جدید اعلام نمود، و با اقدامات مقتضی سعی در کاهش نفوذ روسیه بر این کشورها و پرکردن خلاء ژئوپلیتیکی ناشی از فروپاشی شوروی است. ۲- همچنین آمریکا بدنبال کاهش وابستگی به نفت خلیج فارس در درازمدت و اکتشاف حوزه‌های جدید نفت و گاز و بهره‌برداری است. ۳- یکی از اهداف آمریکا برای کاهش نفوذ روسیه در منطقه، وارد کردن کشورهای منطقه در حوزه مناسبات نظامی و امنیتی غربی است به طوری که از زمان حمله روسیه به گرجستان در سال ۲۰۰۸ و به اوکراین در ۲۰۱۴، سیاست‌های آمریکا صریحاً از حاکمیت و تمامیت ارضی گرجستان در مرزهای شناخته شده بین‌المللی حمایت می‌کند و این کشور دریافت کننده اصلی کمک‌های ایالات متحده به اروپا و اوراسیا است. از سال ۲۰۱۰، کمک‌های نظامی آمریکا به گرجستان به طور متوسط حدود ۶۸ میلیون دلار در سال تخمین زده شده است، و در سال مالی ۲۰۱۹، کنگره آمریکا ۳۵ میلیون دلار بودجه نظامی خارجی و ۲ میلیون دلار بودجه آموزش نظامی بین‌المللی اختصاص داده است (C. R. S. Gov, 2019: 11-13).

از طرف دیگر روسیه خواهان عدم دسترسی آمریکا به گرجستان است، اما برای رسیدن به چنین هدف ترجیح می‌دهد که از قدرت نظامی استفاده نکند و همواره در جهت کسب برتری

منطقه‌ای تلاش کرده است. گرجستان جزء قلمرو خارج نزدیک و در حقیقت جزء سرحدات روسیه بشمار می‌رود، و روسیه دارای علائق و نگرانی‌هایی در این منطقه بوده است. روس‌ها هر روز خود را با ابزار تازه‌تری مجهز می‌کنند و تحولاتی که طی سال‌های اخیر در تعدادی از کشورهای کلیدی رخ داده است؛ زمینه را برای درخواست حضور سیاسی-اقتصادی و حتی حضور نظامی روسیه بیشتر فراهم ساخته است (Qawam, 2014: 20). اما در مقابل روسیه، آمریکا خواهان آن است تا حضور سیاسی خود را در کشورهای تازه استقلال‌یافته تا مرزهای چین حاکم و با حضور سیاسی در سایر ابعاد به موفقیت‌های تازه‌ای نائل گردد (Sadeghian, 2017: 121). در این شرایط سه استراتژی بی‌ثبات‌سازی رقبای اصلی، مهار رقبا و توازن قوا برای دولت آمریکا قابل تصور است (Latifian, 2007: 167).

نتیجتاً می‌توان بیان نمود که «از میان دو بازیگر فرامنطقه‌ای، نقش آمریکا از دیگران بارزتر بنظر می‌رسد. آمریکا دارای دو دسته منافع منطقه‌ای بلندمدت و کوتاه‌مدت در گرجستان است. آمریکا در راستای اهداف بلندمدت از گسترش نفوذ هر قدرت بزرگ رقیب یا هرگونه مخالفت با ارزش‌ها و منافع آمریکا در گرجستان جلوگیری می‌کند. اما در اهداف کوتاه‌مدت خود بر عدم-دستیابی کشورها به تسلیحات کشتار جمعی و تکنولوژی پیشرفته نظامی که امنیت آمریکا و متحدان‌اش را تهدید می‌کند، تاکید دارد» (Zamanian, 2003: 260). در نهایت آنچه قابل پیش‌بینی می‌باشد، گسترش سطح وسیعی از همکاری‌ها در این منطقه بین آمریکا از یکطرف و روسیه از طرف دیگر می‌باشد؛ و نکته مهم اینکه در این همکاری‌ها، کشورهای منطقه قفقاز جنوبی (گرجستان) گاه مورد توجه و گاهی نیز در ترسیم معادلات قدرت‌های بزرگ مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند. در نهایت امر، به بررسی این امر می‌پردازیم که گرجستان به کدام دو ابر قدرت روسیه و آمریکا متمایل است. در این خصوص می‌توان بیان نمود که «گرجستان برای همکاری با ناتو، دارای انگیزه‌هایی هست. در این راستا بنظر می‌رسد، گرجستان حضور ناتو را بعنوان مقدمه‌ای برای اروپایی شدن ترجیحاً دریافت کمک‌های مالی بیشتر می‌دانند. در عین حال، پیوستن گرجستان به برنامه «مشارکت برای صلح» هرچند ارتباط ویژه‌ای با کارکرد نظامی ناتو ندارد، اما می‌توان گفت کشورهای این منطقه امیدوارند با اتخاذ چنین سیاستی، کم‌کم مراحل بعدی را جهت پیوستن به پیمان ناتو طی نمایند. بدین ترتیب گرجستان بطور رسمی تمایل خود را برای پیوستن به ناتو، در اجلاس پراگ در سال ۲۰۰۲ اعلام کرده است» (همان).

۴-۲- مقایسه روابط جمهوری ارمنستان با روسیه و آمریکا

برای روشن شدن جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ارمنستان نسبت به آمریکا و روسیه، سیاست‌های ارمنستان در بخش‌های اقتصادی، سیاسی-نظامی و انرژی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱-۴- محوره‌های همکاری ارمنستان با روسیه و غرب

محوره‌های همکاری ارمنستان با غرب و روسیه را می‌توان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی-نظامی، انرژی مورد ارزیابی قرار داد که در ذیل بدانها پرداخته خواهد شد.

۴-۱-۱- سیاست‌های امنیتی ارمنستان

واقعیات جنگ قره‌باغ و تحریم ارمنستان از سوی آذربایجان و ترکیه، عدم وجود مرز مشترک با روسیه، شرایط استراتژیک این کشور، بی‌ثباتی شدید در گرجستان طی سال‌های ابتدایی ۱۹۹۰ و برخی عوامل دیگر، از یک سو (Giragosian, 2010) و نگرانی مسکو از کاهش نفوذ خود در قفقاز جنوبی و دریای سیاه از سوی دیگر باعث تعمیق روابط با ارمنستان در ابعاد مختلف بویژه نظامی گردید. گسترش همکاری‌های نظامی دو کشور، نگرانی همسایگان ارمنستان بویژه ترکیه و آذربایجان را برانگیخته است. براین اساس مقامات ارمنستان حضور پایگاه روسیه در ارمنستان و همکاری‌های نظامی بین دو کشور را برای تامین امنیت خویش حائز اهمیت می‌دانند و آن را براساس پیمان نیروهای نظامی متعارف در اروپا قلمداد می‌کنند. ارمنستان از امضاءکنندگان اصلی قرارداد امنیت عمومی ۱۹۹۴ همراه با روسیه، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان بود. (Tchantouridze, 2015). یکی از مسائل مربوط به محیط ژئواستراتژیک و خطرات امنیتی ناشی از آن است، که ارمنستان می‌نشیند تا امنیت خود را حفظ کند، و اتکا بیش از حد به روسیه و عدم برقراری روابط همسان با سایر کشورها دارد. این مسئله در کنار اختلاف بین روسیه و غرب و وجود مبارزه جغرافیایی در اوراسیا، فضای مانور ارمنستان را کاهش داده است، و این امر ارمنستان را به سیاست خارجی یک سویه سوق می‌دهد. اختلاف نظرهای داخلی ارمنستان با خطرات امنیتی این کشور، توانایی آن را در انطباق و پاسخگویی به چالش‌های جدید کاهش داده است، وقایع جدید نیازمند یک راهبرد استراتژیک و راه‌حل‌های متعارف است (Anahit, 2019: 2-5).

۴-۱-۲- سیاست‌های نظامی ارمنستان

حضور نظامی و امنیتی روسیه در ارمنستان و حضور ارمنستان در ترتیبات منطقه‌ای تحت رهبری کرملین نظیر سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی به اهداف استراتژیک روسیه مبنی بر حضور نظامی و امنیتی در منطقه استراتژیک قفقاز و دور کردن زیرساخت‌های نظامی غرب از منطقه یاری رسانده است. در کنار همکاری‌های نظامی و امنیتی دو کشور در چارچوب سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی، همکاری‌های نظامی و امنیتی دوجانبه ایروان و مسکو نیز برای منافع امنیتی روسیه در منطقه قفقاز دارای اهمیت استراتژیک می‌باشد. سیستم دفاع هوایی مشترک روسیه و ارمنستان در واقع، با هدف مواجه با تهدیدهای احتمالی ناتو و کشورهای عضو نظیر ترکیه ایجاد شده است. ساقط شدن هواپیمای جنگی روسیه توسط نیروهای ترکیه در نوامبر ۲۰۱۵ در مرز بین سوریه و ترکیه باعث تسریع در طرح دفاع هوایی شد. بعد از این حادثه، روسیه اعلام نمود که هواپیماهای جنگی بیشتری را به ارمنستان اعزام خواهد نمود. با ادامه تحولات در محیط امنیتی

منطقه و با تاسیس یگان‌های نظامی مشترک ارمنستان و روسیه در نوامبر ۲۰۱۶ وابستگی نظامی ارمنستان به روسیه تشدید گردیده است (Grigoryan, 2017: 100).

۴-۱-۳- سیاست‌های اقتصادی- انرژی ارمنستان

روابط اقتصادی ارمنستان با روسیه در شرایط سخت همگرایی و واگرایی در کشورهای مشترک‌المنافع و ماورای قفقاز در زمینه‌های مختلف و براساس منافع دو کشور توسعه می‌یابد. از زمان استقلال، تلاش دولت برای ایجاد اقتصادی هدفمند، توسعه همه‌جانبه، سازوکارها و ساختار بازار و ایجاد روابط دوجانبه اقتصادی با کشورهای مشترک‌المنافع توافق‌نامه‌هایی را امضا نمودند. ارمنستان در شرایط مبادله میان جمهوری سابق شوروی، بصورت برنامه‌ریزی شده، منابع اولیه ارمنستان، که دارای محدودیت‌های موادخام برای صنایع خود بود، با واردات فرآورده‌های نفتی، ذغال سنگ، انرژی، فلزات سیاه، لوله و کودهای مصنوعی از روسیه تامین می‌شد. همچنین ماشین‌های موردنیاز، تجهیزات، کارهای چوبی، شیشه، کاغذ و همچنین محصولات خوراکی و محصولات صنعتی از روسیه به ارمنستان وارد می‌شد. در مقابل از ارمنستان به روسیه محصولاتی نیز صادر می‌شد. در سیستم اقتصادی شوروی سابق، روسیه و ارمنستان شبکه وسیعی در روابط اقتصادی تشکیل داده بودند و به همین دلیل تولید اکثر محصولات طبق یک زنجیره فناوری انجام می‌گرفت. (Hrant, 2017:15-16). انرژی مصرفی ارمنستان از روسیه تأمین شده است. وابستگی به درآمد کارگران مهاجر که در روسیه به کار مشغول‌اند، یکی دیگر از ابعاد نیازهای اقتصادی ایروان به مسکو را نشان می‌دهد. بنابراین ارمنستان از لحاظ اقتصادی دارای وابستگی‌های عمیقی به روسیه است و نمی‌تواند با تغییر یک دولت، سیاست خارجی خود را نیز دگرگون سازد و به سوی غرب حرکت کند. (Balsyte, 2019:1-2)

۴-۲-۲- روابط جمهوری ارمنستان با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

در این مبحث نگارنده بدنبال آن است تا به بررسی روابط ارمنستان با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بپردازد. برهمن مبنای روابط ارمنستان با کشورهای چونی روسیه، ترکیه و در نهایت آمریکا مورد تدقیق قرار می‌گیرد.

۴-۲-۱- روابط ارمنستان و روسیه

کرملین بعنوان متحد سنتی ایروان در سیاست خارجی و امنیتی ارمنستان دارای جایگاهی خاص می‌باشد. روابط دو کشور پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از ثبات نسبی برخوردار بوده است. ارمنستان نه تنها یکی از اعضای فعال سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی است، بلکه تنها عضو این پیمان در منطقه قفقاز جنوبی نیز بشمار می‌رود (Hunter, 2017:18). اهمیت قفقاز نه تنها برای ارمنستان بلکه برای روسیه به حدی حیاتی است که می‌توان آن‌را پاشنه آشیل این کشور

^۱. Achilles Heel

تشبیه نمود. قفقاز شمالی در جنوب روسیه واقع شده و هرگونه تحول غیرمترقبه در قفقاز شمالی باخداشده‌دار شدن تمامیت ارضی این کشور قلمداد می‌گردد. بقای روسیه صرفاً به گسست‌های قومی در فدراسیون باز نمی‌گردد بلکه در این منطقه اهمیت شاهراه‌های ارتباطی نیز مشهود است. در کنار جنبه‌های امنیتی و ارتباطی، قفقاز از نظر اقتصادی نیز برای روسیه شایان توجه است. در دیدگاهی کلان، قفقاز برای روسیه از اولویت استراتژیک بالایی برخوردار است. در این اولویت-بندی استراتژیک، قطعاً اقتصاد عنصر برجسته‌ای می‌باشد، ولی پدیده غالب روسیه به قفقاز از محاسبات اقتصادی فراتر رفته و از ماهیتی کاملاً امنیتی برخوردار است. ارمنستان همواره یک پایگاه اقتصادی، سیاسی و نظامی مهم برای روسیه بشمار می‌آمده است. در این میان ارمنستان همواره تلاش کرده تا سیاست و استراتژی توازن را پیش روی خود قرار دهد، به اینصورت که از یکسو به برقراری روابط تجاری و نظامی با روسیه پرداخته و از سوی دیگر همزمان خود را برای اتحاد و هماهنگی با دیگر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بویژه در راستای مسائل امنیتی آماده کرده است. ارمنستان همکاری نظامی و سیاسی با روسیه را یک عنصر ضروری در سیاست امنیتی و دفاعی خود می‌داند. بر همین اساس روسیه و ارمنستان در سال ۲۰۱۰ توافق‌نامه‌ای در زمینه نظامی بین یکدیگر امضاء نمودند. براساس این توافق‌نامه مدت حضور نیروهای نظامی روسیه از سال ۲۰۲۰ تا سال ۲۰۴۴ تمدید گردید (Pena-Ramos, 2017: 8).

۴-۲-۲- روابط ترکیه و ارمنستان

ترکیه و ارمنستان بیش از یک دهه، روابط دیپلماتیک عادی نداشتند و مرزهای بین دو کشور همچنان بسته بود. با این حال در سال ۲۰۰۸، عبدالله گل، رئیس‌جمهور ترکیه، به دعوت ارمنستان به یورووان رفت. پس از این رویداد، رهبران ارمنستان و ترکیه مذاکرات مخفی در سوئیس را آغاز نمودند و ایالات متحده، روسیه و اتحادیه اروپا بعنوان کشورهای واسطه شرکت کردند. این امر منجر به امضای پروتکل‌های زوریخ^۱ شد که ترکیه و ارمنستان متعهد به ایجاد روابط دیپلماتیک و برقراری روابط عادی شدند (Norouzi, 2015: 57). نزاع قره‌باغ نیز یکی دیگر از مسائل مهم مانع دستیابی توافق بین ترکیه و ارمنستان شد. در دهه ۹۰ میلادی میان ارمنستان و آذربایجان منازعات مسلحانه افزایش یافت و با اشغال ۲۰ درصد مناطق آذربایجان به پایان رسید. این درگیری حتی در شورای امنیت سازمان ملل مورد بررسی قرار گرفت و تصمیم گرفته شد که ارمنستان از سرزمین‌های اشغالی خارج شود. با این حال ارمنستان قطعنامه را نپذیرفت. چندین بار سیاستمداران ترکیه خاطرنشان کردند که ارتش ارمنستان و ترکیه به آرام کردن مناطق روستایی به آذربایجان اعزام شوند. عدم توجه روابط دو کشور برای هر یک، تردید ارمنستان برای شناخت مرزهای غربی خود با ترکیه موجب عدم عادی‌سازی روابط دو کشور شده است (Musayelyan, 2017:4).

^۱. Zurich Protocols

۴-۲-۳- روابط آمریکا و اتحادیه اروپا با ارمنستان

ارمنستان همیشه موفق به حفظ مشارکت خود با غرب بوده است، حتی قبل از وقوع بحران روسیه و غرب در سال ۲۰۱۴. جامعه آرامنه بزرگ در آمریکا نقش مهمی در ارتقاء روابط دوجانبه ایفا می‌کنند. «انقلاب مخملی»^۱ در ارمنستان کمک می‌کند تا پروسه تصویب سیپا (توافق‌نامه مشارکت جامع و پیشرفته منعقد در مارس ۲۰۱۷) در کشورهای عضو اتحادیه اروپا زودتر انجام پذیرد، که برای راه‌اندازی آزادسازی مذاکرات و جذب بودجه بیشتری برای اصلاحات داخلی از اروپا است (European Commission, 2020: 2). در حال حاضر ارمنستان فرصت بیشتری را در برنامه چالش‌های آمریکا، که بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۰۸ مطرح شده بود، خواهد داشت. با این حال، در یک ارزیابی کامل استراتژیک روابط ارمنستان با غرب مطلوب نیست. ارمنستان در مقابل گرجستان، مایل به تبدیل شدن به یک عضو ناتو/ اتحادیه اروپا نیست، بلکه بطورفعال در نهادهای اروپایی/ ناتو مشغول به فعالیت است. اتحادیه اروپا هنوز بطورجدی در منطقه قفقاز جنوبی حضور و آمادگی همکاری ندارد، اما اگر موفق به اجرای یک استراتژی در حوزه امن نشود، اعتماد به اتحادیه اروپا در مقایسه با روسیه و آمریکا در ارمنستان ضعیف خواهد بود. در این زمینه، مشارکت اتحادیه اروپا در بازسازی پس از جنگ در قرقیزستان (مانند گرجستان) مورد استقبال قرار می‌گیرد. اتحادیه اروپا یکی از مهمترین شرکای تجاری ارمنستان است که ۲۳,۶ درصد از کل تجارت ارمنستان را در سال ۲۰۱۶ بخود اختصاص داده است.

به طور کلی ثبات و انعطاف‌پذیری کشورهای همسایه مهمترین اولویت‌های سیاسی اتحادیه اروپا بوده که در بررسی سیاست همسایگی اروپا^۲ در ۶ نوامبر ۲۰۱۵ و در استراتژی جهانی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۶ به روشنی ذکر شده است. چارچوب روابط اتحادیه اروپا و ارمنستان در توافق‌نامه سیپا تجسم یافته و اولویت‌ها و کمک‌های مالی برای سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۲۰ نیز در اس.اس.اف^۳ آگنجانده شده است، که با اهداف کلیدی سیاست جهانی تعیین شده توسط اهداف توسعه پایدار سازمان ملل ۲۰۳۰ و پاریس مطابقت دارد.

(European Commission, 2020: 3) در واقع اتحادیه اروپا نیم-نگاهی به بازیگری در عرصه سیاست بین‌الملل داشته است، اما شرایط دوقطبی جهان و قدرت بالای آمریکا مانع از بازیگری فعال آن اتحادیه در قلمرو سیاست بین‌الملل گردید (Siddiq and Sharghi, 2016: 122).

¹. velvet Revolution

². CEPA

³. ENP

⁴. SSF

۲-۳-۴- جمهوری ارمنستان؛ تمایل به غرب یا شرق

ارمنستان در اتحاد با روسیه و تفلیس حرکت بسمت نهادهای غربی را انتخاب نموده است. اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ژانویه ۲۰۱۵ تأسیس گردید و ارمنستان بلافاصله در دوم ژانویه همان سال به آن ملحق گردید. بسیاری از احزاب سیاسی در ارمنستان موافق گسترش روابط با اتحادیه اروپا هستند و ادغام ارمنستان در طرح‌های اروپایی در این کشور از جذابیت بیشتری برخوردار می‌باشد (Cornell and others, 2016: 30). حتی در استراتژی امنیت ملی ارمنستان در سال ۲۰۰۷، اتحادیه اروپا بعنوان اولویت بلندمدت در جهت‌گیری سیاست خارجی ارمنستان مورد تأکید قرار گرفته است. ارمنستان در افغانستان، کوزوو و عراق با ناتو همکاری کرده و میزبان تعداد زیادی از آوارگان سوری بوده است. در پی انقلاب مخملی هم، ارمنی‌ها نسبت به سال‌های گذشته خواهان بهبود روابط با ایالات متحده هستند (Jennings, 2019: 2). سیاست همسایگی اروپا در سال ۲۰۰۴ در بردارنده ارمنستان به همراه دو جمهوری دیگر قفقاز جنوبی بود. همچنین ارمنستان در سال ۲۰۰۹ جزء برنامه مشارکت شرقی اتحادیه اروپا بود و از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ این کشور مشغول مذاکره بر سر توافقنامه همکاری با این اتحادیه بوده است. با وجود تمایل متقابل اتحادیه اروپا و ارمنستان برای همگرایی، کرملین با استفاده از نفوذی که در اقتصاد و سیاست ایروان دارد، ارمنستان را از ادغام در ساختارهای غربی و بخصوص اتحادیه اروپا بازداشته است. تصمیم ناگهانی ارمنستان در امضا نکردن توافق‌نامه همکاری با اتحادیه اروپا و نادیده گرفتن سال‌ها تلاش سخت دیپلمات‌ها و حکومت، دلیلی است بر اینکه ارمنستان سیاست خارجی مستقلی ندارد و متأثر از رویکردهای کرملین می‌باشد ایروان برای آرام کردن افکار عمومی اعلام کرد تصمیم برای تأمین امنیت ملی ارمنستان اتخاذ شده است (Grigoryan, 2015: 1).

اتحاد روسیه با ارمنستان از سویی دیگر در رقابت‌های ژئوپلیتیکی روسیه و ترکیه برای نفوذ در منطقه قفقاز به نفع کرملین عمل کرده است. در اصل، ارمنستان بعنوان متحد روسیه در منطقه قفقاز مانعی جدی بر سر راه نفوذ ترکیه بوده است. تداوم بحران قره‌باغ و تهدید آذربایجان به استفاده از توانمندی‌های نظامی برای آزادسازی اراضی اشغالی خود، ارمنستان را در کنار و وابسته به روسیه نگاه داشته است. بنابراین ارمنستان را می‌توان کشوری کلیدی در توسعه نفوذ روسیه در منطقه یاد کرد. دیدگاه دیگری که در ارمنستان نسبت به اتحاد شوروی سابق بیشتر از غرب به چشم می‌خورد، وجود دارد که در آن هیچ رژیم جدیدی در ارمنستان نمی‌تواند سیاست خارجی جایگزینی را انتخاب کند، به این دلیل که هیچ انتخابی برای آن وجود ندارد. این دیدگاه چنین استدلال می‌کند که ترکیبی پیچیده از عوامل خارجی مانع از ایجاد تغییرات رادیکال در سیاست‌های ارمنستان می‌شود، طرفداران این دیدگاه هم پیروز میدان شدند. نه تنها پس از انقلاب سیاست خارجی ارمنستان ادامه صریح راه گذشته است، بلکه رهبران مخالف که علیه تمامی جنبه‌های روابط با روسیه مبارزه می‌کنند، اکنون به نیاز بهبود و تقویت روابط روسیه و ارمنستان می‌پردازند.

دولت جدید ارمنستان بر طبیعت منحصر به فرد انقلاب ارمنستان تأکید می‌کند که به هیچوجه جزء «انقلاب رنگی» نیست، بلکه از آن با عنوان یک «انقلاب مخملی» یاد می‌کند؛ به این معنا که برخلاف انقلاب‌های رنگی و ارتباط آن با سیاست خارجی کشورها بطور کلی و روابط با روسیه بطور خاص، این انقلاب ناشی از نیاز به اصلاح حوزه سیاست داخلی، ریشه‌کن کردن فساد و حصول اطمینان از حکومتداری خوب است (Iskandaryan, 2019: 2-3).

نتیجه‌گیری

از زمان پدایش دولت مدرن، وجود عنصر رقابت میان دولت‌ها همواره یکی از مولفه‌های اساسی روابط بین‌الملل می‌باشد. این رقابت همواره برسر عاملی صورت می‌گیرد که توانست منجر به افزایش قدرت یکطرف و کاهش قدرت طرف دیگر شود. در این میان یکی از عواملی که همواره سبب برانگیختن رقابت میان دولت‌ها شد مناطق جغرافیایی از نظر عنصر قدرت بود. تسلط بر مناطق جغرافیایی مهم و کنترل توسط دولت می‌توانست منجر به افزایش قدرت برای آن دولت و از این طریق سبب تامین امنیت خود و داشتن اهرمی علیه رقیب شود. تاریخ روابط قدرت‌های بزرگ، نشانگر آن است که قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر مناطق جغرافیایی مهم به رقابت و در نهایت جنگ با همدیگر پرداخته‌اند. در این میان بنظر می‌رسد که مناطق آسیای مرکزی و قفقاز اهمیت زیادی دارند که از آن یاد شد. این رقابت زمانی که در منطقه خلاء قدرت وجود داشته است شدیدتر بوده است. آنچه در دوره حاضر سبب رقابت میان غرب و روسیه شده است، اهمیت سیاسی، اقتصادی و نظامی این مناطق است. تسلط کامل روسیه در شرایط جدید بر مناطق، می‌تواند گام بسیار مهمی برای احیای دوباره قدرت روسیه باشد و تسلط بر آن توسط دولت‌های غربی نه تنها سبب تامین امنیت انرژی برای آنها می‌شود، بلکه می‌تواند منجر به رفع و یا حداقل کاهش تهدید روسیه شود. روسیه با حفظ این مناطق قادر است که نخست امنیت، دوم منافع سیاسی و اقتصادی و سوم با تسلط بر منابع انرژی و حفظ انحصار خود بر آن در مواقع لازم از ابزار انرژی بعنوان یک اهرم علیه دولت‌های غربی استفاده کند.

اما دیدگاه غرب نسبت به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بسیار متفاوت و همچنین برخلاف دیدگاه روسیه است. غرب، آسیای مرکزی و قفقاز را بسیار مهمتر از آن می‌داند که زیر سلطه و کنترل دولت غیرقابل اعتمادی چون روسیه باشد. هدف اساسی غرب این است که این دو منطقه از نفوذ روسیه خارج شود و یا حداقل نفوذ این کشور کاهش یابد و در مقابل زمینه نفوذ همه جانبه غرب در این مناطق فراهم شود. هدف دوم غرب پایان انحصار و تسلط روسیه بر منطقه است و از این روش با توجه به وابستگی که به انرژی منطقه و روسیه دارند، آینده امنیت انرژی خود را مقابل استفاده‌های احتمالی روسیه از انرژی بعنوان یک ابزار جلوگیری کنند. هدف سوم رفع

تهدید روسیه در آینده است. واقعیت این است که نگرانی آمریکا و غرب از رشد قدرت روسیه و گسترش نفوذ این کشور در دو منطقه می‌باشد. تسلط روسیه بر این مناطق می‌تواند پیامدهای تلخی برای آمریکا ببار آورد. در این میان گرجستان بعنوان یکی از اجزای امپراتوری، که مشکلات اقتصادی آن را به ارث برد، با مشکلات اقتصادی بسیاری روبرو گشت. گرچه مسکو کمک‌های نسبتاً خوبی را بطور مستقیم و غیرمستقیم در اختیار گرجستان قرار داد. اما زمامداران این کشور بدلیل نیاز و همچنین بدلیل وجود گرایش به غرب و جذب کمک‌های آن و مسابقه‌ای که در این خصوص بین کشورها در گرفته بود، گرایش به غرب و ادغام در ساختار کشورهای غربی داشتند. در نهایت با توجه به مطالب ذکر شده در مقاله، باید بیان نمود که در پژوهش پیش‌رو این پرسش مطرح گردید که کشورهای ارمنستان و گرجستان از سال ۲۰۰۸ به بعد به سمت کدام قدرت شرق و غرب متمایل بوده است؟ در این میان این نتیجه حاصل می‌شود که، جمهوری گرجستان حضور ناتو را بعنوان مقدمه‌ای برای اروپایی شدن ترجیحاً دریافت کمک‌های مالی بیشتر می‌داند که از میان دو بازیگر فرامنطقه‌ای، نقش آمریکا از دیگران بارزتر بنظر می‌رسد. آمریکا دارای منافع منطقه‌ای در گرجستان و ارمنستان است.

Reference

1. Anahit, S. (2019). Armenia's Foreign Policy Balancing in an Age of Uncertainty. *Chatham House; The Royal Institute of International Relations*, at: <https://www.chathamhouse.org/2019/03/armenias-foreign-policy-balancing-age-uncertainty>
2. Asgari, H. (2015). The Role of Foreign Actors in the Color Revolutions; The Case of the Georgian Rose Revolution, *Journal of Central Asian and Caucasus Studies*, (4)51, 116-81. **(In Persian)**
3. Balsyte, E. (2019). Armenia: Russia First, EU Second?. *European Union Institute for Security Studies (EUISS)*, 5(3), 74-86.
4. Bozorgmehri, M., Tabatabai, S.M. (2017). Comparative study of Iranian and Turkish Foreign Policy in the South Caucasus from the Collapse of the Soviet Union to 2015. *Journal of Foreign Policy*, (31) 2, 150-109. **(In Persian)**
5. Caspersen, N. (2012). Unrecognized States the Struggle for Sovereignty in the Modern International System. *Polity Press*, 4 (3), 37-49.
6. Coffey, L. (2019). NATO Membership for Georgia: In U.S. And European Interest. *The Heritage Foundation*, 2(3), 19-27.

7. Cornell, S.E, Popjanevski, J., Nilsson, N. (2016). Russia's War in Georgia. *Causes and Implications for Georgia and the World*, 2(6), 69-82.
8. Georgia and the EU Signed the Association Agreement (2016). at: <http://civil.ge/en/news/2014/1551>
9. Georgia: Background and U.S. Policy (2019). *Congressional Research Service*, at: <https://fas.org/sgp/crs/row/R45307.pdf>
10. German, T. (2016). Russia and South Ossetia: Conferring Statehood or Creeping Annexation?. *Southeast European and Black Sea Studies*, 16(1), 106-117.
11. Geukjian, O. (2012). *Ethnicity, Nationalism and Conflict in The South Caucasus Nagorno-Karabakh and the Legacy of Soviet Nationalities Policy*, UK: Ashgate Publishing Limited.
12. Ghavam, A. (2007). *Principles of Foreign Policy and International Policy*, Tehran: Samat Publications. **(In Persian)**
13. Giragosian, R. (2010). Is Armenia Russia's Partner or Pawn?. *Radio Free Europe/ Radio Liberty - Free Media in Unfree Societies*, 2(1), 37-48, at: https://www.rferl.org/a/Commentary_Is_Armenia_Russias_Partner_Or_Pawn/2147689.html
14. Hafeznia, M. R., Romina, E. (2017). The Impact of Geopolitical Interests of Iran and Saudi Arabia in Creating Regional Challenges in Southwest Asia. *Geographical Research*, (32) 2, 9-20. **(In Persian)**
15. Hille, C. (2010). State Building and Conflict Resolution in the Caucasus. *Eurasia Studies*, 1(5), 45-64.
16. Hrant, K., Giragosian, R. (2017). Research and Policy Advice Project Supported. *The Swedish International Development Cooperation Agency*.
17. Hunter, S. (2017). *The New Geopolitics of the South Caucasus: Prospects for Regional Cooperation and Conflict Resolution*. Lanham, MA: Lexington Books.
18. Iskandaryan, A. (2019). Armenia–Russia Relations: The Revolution and the Map. *Yerevan Caucasus Institute*.
19. Javadi Arjomand, M. J., Fallahi, E. (2015). Iran-Russia Foreign Policy Interaction in Opposition to the East-West Axis in the South Caucasus. *Journal of Central Eurasian Studies*, (9)2, 430-411. **(In Persian)**
20. Jennings, R. S. (2019). Upgrading U.S. Support for Armenia's Post Revolution

- Reforms. *Carnegie Endowment for International Peace*, 3(5), 22-39.
21. Karminia, M. (2008). War, Caucasus, International System. November 3, at: www.bashgah.net. **(In Persian)**
22. KO, S. (2012). Russia's Georgian War. *The Korean Journal of Area Studies*, 3(5), 79-88.
23. Kochladze, M. (2011). Georgia's Foreign Debt and Sustainable Development. *Green Alternative*, 4(3), 67-84.
24. Koolaei, E., Hosseini Taghiabad, S.M. (2019). Iranian Science Diplomacy in the South Caucasus. *Journal of International Studies*, (15)4, 99-131. **(In Persian)**
25. Kruger, H. (2010). *The Nagorno-Karabakh Conflict; A Legal Analysis*, London & New York: Springer
26. Kuimova, A., Wezeman S. T. (2019). SIPRI Background Paper, Georgia's Energy Sector Levan Pavlenishvili. *Norberto Pignatti. Emerging-europe*, 5 (1), 106-117.
27. Latifian, S. (2007). Strategic and Geopolitical Significance of Eurasia. *Journal of Culture of Thought*, (3)9, pp. 164-163. **(In Persian)**
28. Macroeconomics, Trade & Investment Global Practice (2017-2018). *World Bank*.
29. Moazami Goodarzi, P. (2004). Security in the South Caucasus. *International Conference on Central Asia and the Caucasus*. **(In Persian)**
30. Monshipouri, M., Dorraj, M. (2019). The Divided West and the Rising East. *International Studies Journal (ISJ)*, 15(4), 1-18.
31. Musayelyan, S. (2017). Armenia: Building a Competitive Economy. *Institute for the Study of Journalism Wincott Fellowship Programme Oxford University*, 2(1), 28-39.
32. Nodia, G. (2016). *25 Years of Independent Georgia Achievements and Unfinished Projects*, Ilia State University Press, at: <https://library.iliauni.edu.ge/wp-content/uploads/2017/04/Georgia-2-5.pdf>
33. Norozi, N. (2000). Iran-Turkey Confrontation in Central Asia and the Caucasus. *Journal of Central Asian and Caucasus Studies*, (3)29, 113-146. **(In Persian)**
34. Özkan, G. (2012). Spoils of a War: Impact of Georgia-Russia War on Russian Foreign and Security Policies in the Near Abroad. *Green Alternative*, 4(2), 69-84.
35. Pataraiia, T. (2019). Energy Transit and Security Imbalance in South Caucasus: The Road between Russia and the European Union, *Heinrich Boll Stiftung South Caucasus*, at: https://ge.boell.org/sites/default/files/uploads/2015/03/energy_eng-final_1.pdf

36. Peña-Ramos, J. (2017). The Impact of Russian Intervention in Post-Soviet Secessionist Conflict in the South Caucasus on Russia Geo-Energy Interests. *International Journal of Conflict and Violence*, 1(3), 87-99.
37. Programming of the European Neighborhood Instrument (ENI) - 2017-2020 - Single Support Framework for EU support to Armenia (2020). *European Commission*, 2020(5), 3-27.
38. Sadeghian, K. V. (2017). US Foreign Policy in Central Asia and the Caucasus. *Journal of Central Asia and Caucasus*, (3)24, 138-121. **(In Persian)**
39. Shafiee, N. (2011). Russia-Georgia War: Effective Backgrounds and Motivations. *Central Eurasian Studies*, (4)9, 58-39. **(In Persian)**
40. Shirkhani, M. A., Sharifi, M. (2017). Energy Geopolitics, Russia and Turkish Pipeline Diplomacy. *Journal of Central Asian Studies*, (10)1, 133-117. **(In Persian)**
41. Siddiq, M., Sharghi, A. (2016). European Union and the Great Powers. *International Studies Journal (ISJ)*, (13)3, 46-53. **(In Persian)**
42. Sterio, M. (2013). The Right to Self Determination under International Law Selfistans, Secession, and the Rule of the Great Powers, Routledge. *Taylor and Francis Group*, 3(6), 112-131.
43. Sussex, M. (2012). *Conflict in the Former USSR*, Cambridge: Cambridge University Press.
44. Tchantouridze, L. (2015). The Three Colors of War: Russian, Turkish, and Iranian Military Threat to the South Caucasus. *Institute South Caucasus*, 2(3), 60-84.
45. Tsurtsunia, T. (2015). Gas Transit through Georgia in the Light of Energy Charter, and Energy Community Provisions. *Enrgy Charter*, December 18, at: <https://www.energycharter.org/what-we-do/publications/gas-transit-through-georgia-in-the-light-of-energy-charter-and-energy-community-provisions/>
46. Thamudi Pilehroud, A., Norouzi Zarmehri, A. (2015). South Caucasus; Discouraged from the European Union and Disappointed with the Russian Federation. *Journal of Central Asia and the Caucasus*, (21)90, 66-36. **(In Persian)**
47. NATO (2019). Public Diplomacy Division (PDD)- Press & Media Section- Media Operations Center (MOC)- NATO HQ Brussles. *NATO Official Site*, at: https://www.nato.int/nato_static_fl2014/assets/pdf/pdf_2010_04/20110310_110422-media-backgrounder-NTMA.pdf

48. Yazdani, E., Fallahi, E. (2016). The Interaction of Iranian and Russian Foreign Policy in Opposition to the East-West Axis in the South Caucasus. *Journal of Central Eurasian Studies*, (9)2, 430-411. **(In Persian)**
49. Yemelianova, G. (2015). Western Academic Discourse on the Post-Soviet De facto State Phenomenon. *Caucasus Survey*, 3(3), 69-74.
50. Zamanian, D. (2003). Reasons for Georgia's policy of supporting the United States in recent developments. *Journal of Central Asia and Caucasus Studies*, (3)41, 268-257. **(In Persian)**
51. Huseynov, V. (2020). Armenia-Azerbaijan Conflict Ignites Again in Karabakh. *Eurasia Daily Monitor*, 17(134), at: <https://jamestown.org/program/armenia-azerbaijan-conflict-ignites-again-in-karabakh/>

